



مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ



مُراجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ (دورهٔ درس‌های کلاس هفتم و هشتم)

أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.
ای دانش‌آموزان [دختر]، سلام بر شما، خوش آمدید.
أَيُّهَا الطُّلَابُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.
ای دانش‌آموزان [پسر]، سلام بر شما، خوش آمدید.
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ؛ أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ؛ كَيْفَ حَالُكُمْ؟
سلام بر شما؛ به کلاس نهم خوش آمدید؛ حالتان چطور است؟
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِالْخَرِيفِ.
پاییز خوش آمد.

أَهْلًا وَ سَهْلًا
خوش آمدید

يَبْتَدِئُ العَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ. يَذْهَبُ الطُّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى المَدْرَسَةِ بِفَرَحٍ؛
سال تحصیلی جدید شروع می‌شود. دانش‌آموزان [پسر] و دانش‌آموزان [دختر] با شادی به مدرسه می‌روند.
هُم يَخْمَلُونَ حَقَائِبَهُمْ؛ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرِّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرِ المَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمِنِ؛ الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنَاتِ وَ البَنَاتِ.
آنها کیف‌هایشان را حمل می‌کنند و در پیاده‌رو راه می‌روند و برای عبور ایمن از گذرگاه [عابر] پیاده عبور می‌کنند. خیابان‌ها پر از پسران و دختران است.

يَبْتَدِئُ فَصْلَ الدَّرَاسَةِ وَ القِرَاءَةِ وَ الكِتَابَةِ وَ فَصْلَ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.
فصل تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش‌آموزان شروع می‌شود.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي
پروردگارم را هنگام برخاستنم یاد می‌کنم.

أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي
پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می‌کنم.

أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي
از پروردگارم حل مشکلاتم را درخواست می‌کنم.

فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ
در آن دعاست، در آن نماز است.

فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ
در آن گنج‌هاست، در آن زیبایی هست.

وَ يَدْرُسُ فِيهِ الحُكْمَاءُ
و حکیمان در آن درس می‌دهند.

مَرْحَمَةٌ، كَنْزٌ، كَدَوَائِي
رحمت و مهربانی و گنج هستند، همانند دارویم هستند.

فَأَسْأَلُ إِلَهِي، زَادَ سُورِي
پس نام خدایم، شادی‌ام را زیاد کرد.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كَلَامِي
سخنم را با نام خدا آغاز می‌کنم.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ دُرُوسِي
درس‌هایم را با نام خدا آغاز می‌کنم.

أَقْرَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ كِتَابِي
کتابم را با نام خدا می‌خوانم.

مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ
مکتب ما (آیین ما) نور و زندگی است.

فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ
در آن دانش‌هاست، در آن کمال هست.

يَتَخَرَّجُ مِنْهُ العُلَمَاءُ
دانشمندان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند.

هِيَ كُتُبِي أَنْوَارٌ سَمَائِي
هان! کتاب‌های من نورهای آسمانم هستند.

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللّٰهِ أَمُورِي
کارهایم را با نام خدا شروع می‌کنم.

واژه‌نامه

مَمَات: مرگ = مَوْت ≠ حَيَاة	ذَهَاب: رفتن	أَمِن: ایمن
مَمَرُ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده	تُرِيدُونَ الذَّهَابَ: می خواهید بروید	الْعَبُورُ الْأَمِنُ: عبور و مرور ایمن
(مُشَاةٌ یعنی پیادگان و جمع ماشی است.)	رَصِيف: پیاده‌رو	إِبْتَدَأَ: شروع شد (مضارع: يَبْتَدِئُ)
مِنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ: پارک آموزش ترافیک	زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد (مضارع: يَزِيدُ)	أَهْمَنِي: آرزو می‌کنم
نَبَقِي: می مانیم (ماضی: بَقِيَ / مضارع: يَبْقَى)	زَارَ: زیارت کرد (مضارع: يَزُورُ)	بَنِينَ: پسران
تَبَقُونَ: می مانید	سَأَلَ: درخواست کرد، پرسید (مضارع: يَسْأَلُ)	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد (مضارع: يَتَخَرَّجُ)
ها: هان	صِعَاب: سختی‌ها «مفرد: صَعْب»	تَلَامِيذُ: دانش آموزان «مفرد: تَلْمِيذٌ»
يَحْذَرُ: هشدار می‌دهد (ماضی: حَذَرَ)	عام: سال	حُدًّا: بگیر، بردار، ببر (ماضی: أَخَذَ / مضارع: يَأْخُذُ)
يَمْشُونَ: راه می‌روند	عامٌ دِرَاسِيٌّ: سال تحصیلی	دِرَاسَةٌ: تحصیل، درس خواندن «دراسی: تحصیلی»
(ماضی: مَشَى / مضارع: يَمْشِي)	قيام: برخاستن	دَرَسَ: درس داد (مضارع: يُدْرَسُ)

مترادف و متضاد

بِدَايَةٌ ≠ نِهَائِيَّةٌ	يَسَارٌ ≠ يَمِينٌ	رَخِيصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ	جَنَّةٌ ≠ جَهَنَّمُ	قَرِيْبَةٌ ≠ مَدِيْنَةٌ	جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ
(آغاز ≠ پایان)	(چپ ≠ راست)	(ارزان ≠ گران)	(بهشت ≠ جهنم)	(روستا ≠ شهر)	(نشستن ≠ برخاستن)
جَاهِلٌ ≠ عَالِمٌ	عِدَاوَةٌ ≠ صِدَاقَةٌ	عام = سَنَةٌ	نَهَارٌ ≠ لَيْلٌ	صَدَقٌ ≠ كَذَبٌ	حَزَنٌ ≠ فَرَحٌ
(نادان ≠ دانا)	(دشمنی ≠ دوستی)	(سال)	(روز ≠ شب)	(راست‌گفت ≠ دروغ‌گفت)	(ناراحت‌شد ≠ شاد‌شد)
بَيْعٌ ≠ شِرَاءٌ	بَعِيدٌ ≠ قَرِيْبٌ	لَكَ ≠ عَلَيْكَ	أُو = أُمُّ	كَوْكَبٌ = نَجْمٌ	قَلِيْلٌ ≠ كَثِيْرٌ
(فروختن ≠ خریدن)	(دور ≠ نزدیک)	(به نفع تو ≠ به ضرر تو)	(با)	(ستاره)	(اندک ≠ بسیار)
بَقِيَ ≠ ذَهَبَ	مَمَات = مَوْت	تَلَامِيذٌ = طُلَّابٌ	مَمَاتٌ ≠ حَيَاةٌ	قَبِيْحٌ ≠ جَمِيْلٌ	بَارِدٌ ≠ حَارٌّ
(ماند ≠ رفت)	(مرگ)	(دانش‌آموزان)	(مرگ ≠ زندگی)	(زشت ≠ زیبا)	(سرد ≠ گرم)

جمع مکسر

كُنُوزٌ	أُمُورٌ	عُلُومٌ	حُكَمَاءٌ	أَنْوَارٌ	صِعَابٌ	تَلَامِيذٌ	حُجَّاجٌ	حَقَائِبٌ	جمع
كَنْزٌ	أَمْرٌ	عِلْمٌ	حَكِيْمٌ	نُورٌ	صَعْبٌ	تَلْمِيذٌ	حَاجٌّ	حَقِيْبَةٌ	مفرد
گنج	کار	دانش	دانا	نور	سختی	دانش‌آموز	حاجی	کیف، چمدان	معنی
زُمَلَاءٌ	مُشَاةٌ	مُدُنٌ	أَوْرَاقٌ	شَوَارِعٌ	مَشَاكِلٌ	جِبَالٌ	كُتُبٌ	دُرُوسٌ	جمع
زَمِيْلٌ	ماشی	مَدِيْنَةٌ	وَرَقٌ	شَارِعٌ	مُشْكِلٌ	جَبَلٌ	كِتَابٌ	دَرْسٌ	مفرد
هم‌شاگردی، هم‌کلاسی، همکار	پیاده	شهر	برگ	خیابان	مشکل	کوه	کتاب	درس	معنی

در این درس مطالب عربی پایه هفتم و هشتم را با هم مرور می‌کنیم:

اسم از نظر جنس و تعداد:

جنس	تعداد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	-	ان، ین	ون، ین	
مؤنث	ة	تان، تین	ات	

توجه: جمع مکسر علامت ندارد و تنها نشانه آن این است که شکل مفرد کلمه به هم می‌ریزد.

مثال: أوراق ← مفرد ← ورق (برگ)

اسم اشاره به نزدیک:

جنس	تعداد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	هذا (این)	هذان، هذین (این دو)	هؤلاء (اینها)	
مؤنث	هذه (این)	هاتان، هاتین (این دو)	هؤلاء (اینها)	

اسم اشاره به دور:

جنس	تعداد	مفرد	مثنی	جمع
مذکر	ذلك (آن)	اولئك (آنها)	-	
مؤنث	تلك (آن)	اولئك (آنها)	-	

کلمات پرسشی (استفهامی):

أ، هَلْ (آیا)	مَنْ (چه کسی، چه کسانی، کیست)	لِمَنْ (برای چه کسی)	ما (چه چیزی، چیست)	مَاذَا (چه چیزی، چیست)	أَيْنَ (کجا)	مِنْ أَيْنَ (اهل کجا، از کجا)	لِمَاذَا، لِمَ (چرا، برای چه)
كَيْفَ (چگونه، چطور)	أَيَّ (کدام)	مَتَى (چه وقت)	بِمَاذَا (بِمَ) (با چه، با چه چیزی)	كَمْ (چه تعداد، چند)	مِمَّنْ (از چه کسی)	مِمَّ (مِمَّا) (از چه چیزی)	

اعداد اصلی:

۱	واحد / واحدة	۵	خَمْسَ / خَمْسَةَ	۹	تِسْعَ / تِسْعَةَ
۲	إثنان / اثنتان / اثنتين	۶	سِتَّ / سِتَّةَ	۱۰	عَشْرَ / عَشْرَةَ
۳	ثلاث / ثلاثة	۷	سَبْعَ / سَبْعَةَ	۱۱	أحد عشر / إحدى عشرة
۴	أربع / أربعة	۸	ثَمَانِي / ثَمَانِيَةَ	۱۲	إثنا عشر / اثنتا عشرة

اعداد ترتیبی:

اول	الأوّل / الأولى	پنجم	الخامس / الخامسة	نهم	التاسع / التاسعة
دوم	الثاني / الثانية	ششم	السادس / السادسة	دهم	العاشر / العاشرة
سوم	الثالث / الثالثة	هفتم	السابع / السابعة	یازدهم	الحادي عشر / الحادية عشرة
چهارم	الرابع / الرابعة	هشتم	الثامن / الثامنة	دوازدهم	الثاني عشر / الثانية عشرة

فعل ماضی و مضارع:

شخص (صیغه)	ضمیر (منفصل / متصل)	فعل ماضی	فعل مضارع
اول شخص مفرد (متکلم و حده)	أنا / ي (من)	كَتَبْتُ (نوشتم)	أَكْتُبُ (می نویسم)
دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب) (مفرد مؤنث مخاطب)	أنتَ / كِ (تو) أنتِ / كِ	كَتَبْتَ (نوشتی) كَتَبْتِ	تَكْتُبُ (می نویسی) تَكْتُبِينَ
سوم شخص مفرد (مفرد مذکر غایب) (مفرد مؤنث غایب)	هُوَ / هِ، هِ (او) هِيَ / هِا	كَتَبَ (نوشت) كَتَبَتْ	يَكْتُبُ (می نویسد) تَكْتُبُ
اول شخص جمع (متکلم مع الغیر)	نحنُ / نا (ما)	كَتَبْنَا (نوشتیم)	نَكْتُبُ (می نویسیم)
دوم شخص جمع (مثنای مذکر مخاطب) (مثنای مؤنث مخاطب) (جمع مذکر مخاطب) (جمع مؤنث مخاطب)	أنتمُ / كُما (شما) أنتمُ / كُما أنتمُ / كُم أنتمُنَّ / كُنَّ	كَتَبْتُمَا (نوشتید) كَتَبْتُمَا كَتَبْتُمْ كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبَانِ (می نویسید) تَكْتُبَانِ تَكْتُبُونَ تَكْتُبِينَ
سوم شخص جمع (مثنای مذکر غایب) (مثنای مؤنث غایب) (جمع مذکر غایب) (جمع مؤنث غایب)	هُما / هُما (آنها) هُما / هُما هُم / هُم هُنَّ / هُنَّ	كَتَبَا (نوشتند) كَتَبَا كَتَبُوا كَتَبْنَ	يَكْتُبَانِ (می نویسند) تَكْتُبَانِ يَكْتُبُونَ يَكْتُبْنَ

ماضی منفی: فعل ماضی با آوردن حرف «ما» منفی می شود.

مثال: ما كَتَبْتُ (نوشت)

مضارع منفی: فعل مضارع با آوردن حرف «لا» منفی می شود.

مثال: لَا أَكْتُبُ (نمی نویسم)

فعل مستقبل: فعل مستقبل یا آینده با افزودن «س» یا «سوف» بر سر فعل مضارع ساخته می شود.

مثال: سَنَكْتُبُ (خواهیم نوشت)، سَوْفَ يَكْتُبُونَ (خواهند نوشت)

روزهای هفته:

السَّبْتِ	الأَحَدَ	الأِثْنَيْنِ	الثَّلَاثاءِ	الأَرْبَعاءِ	الأَحْمِيسِ	الأَجْمَعَة
(شنبه)	(یکشنبه)	(دوشنبه)	(سه شنبه)	(چهارشنبه)	(پنجشنبه)	(جمعه)

فصل های سال:

الرَّبِيعِ	الصَّيْفِ	الأَخْرِيفِ	الأَشْتاءِ
(بهار)	(تابستان)	(پاییز)	(زمستان)

رنگ ها:

أَبْيَضَ	أَسْوَدَ	أَزْرَقَ	أَخْضَرَ	أَصْفَرَ	أَحْمَرَ
(سفید)	(سیاه)	(آبی)	(سبز)	(زرد)	(قرمز)

وعده های غذایی:

الفْطُورِ	الغَداءِ	العِشاءِ
(صبحانه)	(ناهار)	(شام)

مهارت ترجمه

الف) جمله های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید.

- ۱ أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي. (البرز ۹۸)
- ۲ أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي. (قم ۹۸)
- ۳ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ فِي السَّوَارِعِ بِفَرَحٍ. (بوشهر ۹۸)
- ۴ كَتَبْتُ أَنْوَارَ سَمَائِي. (فراسان شمالی ۹۸)
- ۵ أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي / أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي. (البرز ۹۷)
- ۶ السَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينِ. (گیلان ۹۷)
- ۷ السَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينِ وَ الْبَنَاتِ. (فراسان رضوی ۹۶)
- ۸ أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي / أَذْكَرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي. (کرمان ۹۶)
- ۹ يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ. (قم ۹۶)
- ۱۰ شُكْرًا، سَاعَدَكَ اللَّهُ.
- ۱۱ خُذْ جِوَارِكَ، فِي أَمَانِ اللَّهِ.



ب) جمله‌های حکیمانه زیر را به فارسی ترجمه کنید.

۱۲. أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.
 ۱۳. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالْتَنْقِشِ فِي الْحَجَرِ.
 ۱۴. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصَّحَّةُ وَ الْأَمَانُ.

ج) ترجمه درست را انتخاب کنید.

۱۵. أَذْكَرُّ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.
 ۱. پروردگارم را هنگام نشستنم یاد می‌کنم.
 ۲. پروردگارم را هنگام ایستادنم یاد می‌کنم. (البرز ۱۴۰۰)
۱۶. السُّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينِ.
 ۱. خیابان‌ها پر از پسران است.
 ۲. خیابان پر از کودکان شد. (شهر تهران ۹۸)
۱۷. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 ۱. دشمن دانا به از نادان دوست
 ۲. دوست آن دانه که گیرد دست دوست (کردستان ۹۸)
۱۸. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
 ۱. دشمن عاقل بهتر از دوست نادان است.
 ۲. دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است. (همدان ۹۸)
۱۹. أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي.
 ۱. حل مشکلاتم را از پروردگارم می‌خواهم.
 ۲. حل مشکلاتم را از پروردگارم خواستم. (لرستان ۹۸)
۲۰. أَذْكَرُّ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي.
 ۱. پروردگارم را هنگام نشستن یاد می‌کنم.
 ۲. پروردگارم را هنگام برخاستنم یاد می‌کنم. (قم ۹۷)
۲۱. أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي.
 ۱. از پروردگار راه رفع سختی‌هایم را می‌پرسم.
 ۲. حل مشکلاتم را از پروردگارم می‌خواهم. (فراسان رضوی ۹۶)
۲۲. يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ.
 ۱. دانشمندان از آن فارغ‌التحصیل می‌شوند.
 ۲. دانشمندان از آن بیرون آمدند. (کرمان ۹۶)

د) ترجمه جمله‌های زیر را کامل کنید.

۲۳. يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ. دانشمندان از آن
 ۲۴. أَذْكَرُّ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي. پروردگارم را هنگام یاد می‌کنم.
 ۲۵. يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ. سال تحصیلی جدید
 ۲۶. فَاسْمُ إِلَهِي زَادَ سُورِي. پس نام پروردگارم

مهارت‌واژه‌شناسی

ه) علامت مترادف (=) و متضاد (≠) بگذارید.

۲۷. فَرَحٌ □ شُرُورٌ (البرز ۱۴۰۰)
 ۲۸. صِدَاقَةٌ □ عِدَاوَةٌ (شهر تهران ۱۴۰۰)
 ۲۹. جُلُوسٌ □ قِيَامٌ (البرز ۱۴۰۰)

(البرز ۱۴۰۰)

(فوزستان ۹۸)

(فراسان رضوی ۹۸)

(مرکزی ۹۸)

۳۰ یَسَارٌ □ یَمِین

۳۱ غَالِیة □ رَحِیصَة

۳۲ قَبِیح □ جَمِیل

۳۳ بَارِد □ حَارٌّ

(و کلمات متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید. (یک کلمه اضافی است.))

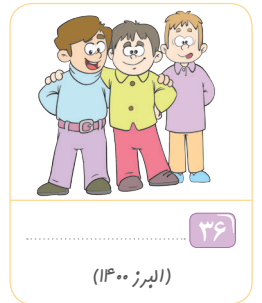
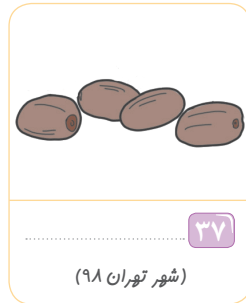
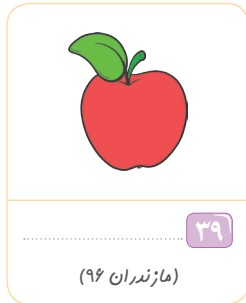
صَدَاقَة - بَدَايَة - عَدَاوَة - نَهَار - نَهَايَة

..... ≠ ۳۵

..... ≠ ۳۴

(ز نام هر تصویر را به عربی بنویسید. (یک کلمه اضافه است.))

طَائِرَة - بَنِین - تَمَر - نَفَّاح - حَمَامَة - رَصِیف



(ح) فقط کلمات مشخص شده را ترجمه کنید.

(شهرستان‌های استان توران ۱۴۰۰)

(شهر توران ۱۴۰۰)

(قزوین ۹۸)

(گلستان ۹۸)

(فراسان رضوی ۹۸)

(ریز ۹۷)

(فراسان رضوی ۹۷)

(فارس ۹۶)

(قزوین ۹۶)

۴۱ یَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ.

۴۲ مَرْحَمَةٌ كَثْرٌ، كَدَوَائِي.

۴۳ يَدْرُسُ فِيهِ الْحُكَمَاءُ.

۴۴ أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صَعَابِي.

۴۵ الْمَطْعَمُ مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الطَّعَامَ.

۴۶ أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي.

۴۷ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ.

۴۸ أَذْكُرُّ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي.

۴۹ يَبْتَدِئُ الْعَامَ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ.

۵۰ أَتَمَنَّى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً.

۵۱ إِلَى أَيِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ الدَّهَابَ؟

(ط) در هر ردیف کلمه ناماهنگ را مشخص کنید.

(مازندران ۹۸)

(آذربایجان غربی ۹۸)

○ سَنَة

○ يَد

○ شَهْر

○ قَوْل

○ دَهَب

○ عَيْن

○ أسبوع

○ قَدَم

عربی	آزمون نوبت اول	زمان آزمون: ۶۰ دقیقه
آزمون شماره ۱	پایه نهم	نمره
مهارت ترجمه		
۱	<p>جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>الف) الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ .</p> <p>ب) فَفَرَّبْتُ مِنْهُ سَيَّارَةً وَ صَدَمْتَهُ .</p> <p>ج) بِالتَّأَكِيدِ، عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ .</p> <p>د) يَا شَبَابُ عَلَيكُمْ بِالمُحَاوَلَةِ .</p> <p>هـ) هُوَ ظَنَّ أَنَّ الحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الخُرُوجِ .</p>	<p>۱</p> <p>۰/۷۵</p> <p>۰/۷۵</p> <p>۰/۷۵</p> <p>۱</p>
۲	<p>آیات و احادیث زیر را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>الف) حُسْنُ الْأَدَبِ يَشْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ .</p> <p>ب) ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾</p> <p>ج) الْجَهْلُ وَ الْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ .</p>	<p>۰/۷۵</p> <p>۰/۷۵</p> <p>۰/۷۵</p>
۳	<p>ترجمه صحیح جمله‌های زیر را انتخاب کنید.</p> <p>الف) أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الإِخْوَانِ .</p> <p>۱. ناتوان‌ترین مردم کسی است که از به دست آوردن برادران ناتوان است.</p> <p>۲. مردم ناتوانند از به دست آوردن برادران توانمند.</p> <p>ب) فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا .</p> <p>۱. کشتی مان گم شد.</p> <p>۲. کشتی مان را گم کردیم.</p>	<p>۰/۵</p>
مهارت واژه‌شناسی		
۴	<p>نام هر تصویر را انتخاب کنید و زیر شکل مربوط بنویسید. (یک کلمه اضافه است).</p> <p style="text-align: center;">تَعَلَّبَ - كَلَّبَ - جَسَرَ</p> <div style="display: flex; justify-content: space-around; align-items: flex-end;"> <div style="text-align: center;">  <p>..... (ب)</p> </div> <div style="text-align: center;">  <p>..... (الف)</p> </div> </div>	<p>۰/۵</p>

[پاسخنامه]



درس اول

۳۴ صَدَاقَةٌ (دوستی) ≠ عَدَاوَةٌ (دشمنی)

۳۵ بَدَايَةٌ (آغاز) ≠ نِهَائِيَةٌ (پایان)

۳۶ بَنِين (پسران) ۳۷ تَمْر (خرما)

۳۸ طَائِرَةٌ (هواپیما) ۳۹ تَفَاح (سیب)

۴۰ حَمَامَةٌ (کبوتر)

۴۱ يَبْتَدِيُّ: آغاز می شود / الدَّرَاسِيُّ: تحصیلی

۴۲ مَرَحَمَةٌ: مهربانی ۴۳ يُدْرَسُ: درس می دهند

۴۴ صِعَابِي: مشکلاتم (سختی هایم)

۴۵ المَطْعَمُ: غذاخوری (رستوران)

۴۶ أَقْرَأُ: می خوانم ۴۷ حَقَائِبُ: کیف ها

۴۸ جُلُوسُ: نشستن ۴۹ العام: سال

۵۰ أَتَمُنِي: آرزو می کنم ۵۱ الذَّهَابُ: رفتن

۵۲ ذَهَبٌ: طلا (معنی بقیه کلمات: أسبوع: هفته / شهر: ماه / سَنَةٌ: سال)

۵۳ قَوْلٌ: سخن (معنی بقیه کلمات: قَدَمٌ: گام / عَيْنٌ: چشم / يَدٌ: دست)

۵۴ جَعَلَ: قرار داد (ماضی) (معنی بقیه کلمات: يَكْتُبُونَ: می نویسند (مضارع) /

يَجْمَعُ: جمع می کند (مضارع) / يَجْلِسَانِ: می نشینند (مضارع))

۵۵ البُيُوتَانِ: باغ (معنی بقیه کلمات: المِنْصَدَةُ: ميز / الكُرْسِيُّ: صندلی /

الصَّفَفُ: کلاس)

۵۶ يَكْتُبُ: می نویسند (مضارع) (معنی بقیه کلمات: جَمَعَ: جمع کرد

(ماضی) / خَرَجْتُما: خارج شدید (ماضی) / جَلَسَنَ: نشستند (ماضی))

۵۷ أُسْرَةٌ: خانواده (معنی بقیه کلمات: قَمَرٌ: ماه / شَمْسٌ: خورشید /

كَوْكَبٌ: ستاره)

۵۸ سَحَابٌ: ابر (معنی بقیه کلمات: تَمْرٌ: خرما / رُؤْمَانٌ: انار / تَفَاحٌ: سیب)

۵۹ جَنَّةٌ: بهشت (معنی بقیه کلمات: فَرَسٌ: اسب / سِنَجَابٌ: سنجاب /

بَقْرَةٌ: گاو)

۶۰ لَوْنٌ: رنگ (معنی بقیه کلمات: جَدَّةٌ: مادربزرگ / بِنْتُ: دختر /

أُخْتُ: خواهر)

۶۱ نَرَجِعُ (با توجه به «بعد دقیقاً» فعل مضارع می آید).

(ما پس از یک دقیقه با هم برمی گردیم.)

۶۲ شاهَدْتُ («هی» ضمیر مفرد مؤنث غایب است، بنابراین فعل مفرد

مؤنث غایب می آید.) (او دانش آموزی را دید که تکالیفش را می نوشت.)

۶۳ ذَكَرْنَا («تَخُنُّ» ضمیر متکلم مع الغیر است، پس فعل متکلم مع الغیر

می آید.) (ما حدیثی را پیرامون اندیشیدن بیان کردیم.)

۱ پروردگارم را هنگام نشستنم به یاد می آورم.

۲ حل مشکلاتم (سختی هایم) را از پروردگارم می خواهم.

۳ آنها کیف هایشان را در خیابان ها، با شادی حمل می کنند.

۴ کتاب هایم نورهای آسمانم هستند.

۵ کتابم را با نام خدا می خوانم / حل مشکلاتم را از پروردگارم می خواهم.

۶ خیابان ها پر از پسران است.

۷ خیابان ها پر از پسران و دختران است.

۸ با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم / پروردگارم را هنگام نشستنم

به یاد می آورم.

۹ دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند.

۱۰ سپاسگزارم، خسته نباشید (خدا قوت).

۱۱ گذرنامه ها را بگیر، در پناه خدا.

۱۲ ادب انسان، بهتر از طلایش (ثروتش) است.

۱۳ علم در خردسالی، همچون نقاشی در سنگ است.

۱۴ دو نعمت ناشناخته اند، تندرستی و امنیت.

۱۵ گزینۀ «۱» ۱۶ گزینۀ «۱»

۱۷ گزینۀ «۱» ۱۸ گزینۀ «۲»

۱۹ گزینۀ «۱» ۲۰ گزینۀ «۲»

۲۱ گزینۀ «۲» ۲۲ گزینۀ «۱»

۲۳ يَتَخَرَّجُ: دانش آموز ختنه (فارغ التحصیل) می شوند.

۲۴ جُلُوسِي: نشستنم

۲۵ يَبْتَدِيُّ: آغاز می شود

۲۶ زَادٌ سُورِي: شادی ام را زیاد کرد

۲۷ فَرَحٌ (شادی) = سُورٌ (خوشحالی)

۲۸ صَدَاقَةٌ (دوستی) ≠ عَدَاوَةٌ (دشمنی)

۲۹ جُلُوسٌ (نشستن) ≠ قِيَامٌ (برخاستن)

۳۰ يَسَارٌ (چپ) ≠ يَمِينٌ (راست)

۳۱ غَالِيَةٌ (گران) ≠ رَخِيصَةٌ (ارزان)

۳۲ قَبِيحٌ (زشت) ≠ جَمِيلٌ (زیبا)

۳۳ بَارِدٌ (سرد) ≠ حَارٌّ (گرم)



۷۹ لَعِبْتُ («الأسبوع الماضي: هفته گذشته» بر گذشته دلالت دارد، بنابراین فعل نیز ماضی می‌آید.)
(من در هفته گذشته تنیس روی میز بازی کردم.)

۸۰ نَجَحْتُمْ («أنتم» جمع مذکر است، بنابراین فعل نیز جمع مذکر می‌آید.)
(شما دیروز در مسابقه پیروز شدید.)

۸۱ يَعْمَلُونَ («الفلأحون» جمع مذکر است و غایب می‌باشد، بنابراین فعل نیز جمع مذکر غایب می‌آید.) (کشاورزان در مزرعه کار می‌کنند.)

۸۲ أَكَلْتَنِّي («قَبْلَ سَاعَةٍ: یک ساعت پیش» بر گذشته دلالت دارد، بنابراین فعل ماضی می‌آید.) (شما غذا را یک ساعت پیش خوردید.)

۸۳ وَصَلْنَا («نَحْنُ» ضمیر متکلم مع الغیر است، پس فعل نیز متکلم مع الغیر می‌آید.) (ما به کتابخانه رسیدیم.)

۸۴ وَصَلُوا («المُسَافِرُونَ» جمع مذکر است، پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید.) (آیا مسافران به شهر رسیدند؟)

۸۵ تَكْتَبَانِ («البنتان» مثنای مؤنث است، پس فعل نیز مثنای مؤنث می‌آید.) (دو دختر تکالیفشان را می‌نویسند.)

۸۶ سَأَذْهَبُ («عَدَا: فردا» بر آینده دلالت دارد، پس فعل نیز مستقبل (آینده) می‌آید.) (من فردا به مدرسه خواهم رفت.)

۸۷ أَكَلْتِ («أَكَلْتُ» است، فعل در قسمت سؤال باید دوم شخص مفرد بیاید.)
(چه چیزی خوردی؟ یک سیب خوردم.)

۸۸ يَكْتُبُ (فعل غایب در اول جمله، به صورت مفرد می‌آید.)
(دانش‌آموزان یک روزنامه دیواری می‌نویسند.)

۸۹ يَكْتُبَانِ («الصديقان» مثنای مذکر است و فعل نیز در وسط عبارت مثنای مذکر می‌آید.) (دو دوست پاسخ سؤال را می‌نویسند.)

۹۰ تَذْهَبِينَ («أَنْتِ» ضمیر مفرد مؤنث مخاطب است، پس فعل نیز مفرد مؤنث مخاطب می‌آید.)
(ای مریم، آیا تو به تنهایی به آزمایشگاه می‌روی؟)

۹۱ حَفِظْتُ («قَبْلَ سَاعَةٍ: یک ساعت پیش» بر گذشته دلالت دارد، پس فعل نیز ماضی می‌آید.)
(من یک ساعت پیش یک سوره از قرآن را حفظ کردم.)

۹۲ كَتَبْتَنِي («أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ» جمع مؤنث مخاطب است، پس فعل نیز جمع مؤنث مخاطب می‌آید.)
(ای دانش‌آموزان، آیا دیروز تکالیفشان را نوشتید؟)

۶۴ لَا تَكْذِبُ («هي» ضمیر مفرد مؤنث غایب است، پس فعل نیز مفرد مؤنث غایب می‌آید.)
(او در زندگی هرگز دروغ نمی‌گوید.)

۶۵ قَرَأْتَنِي («أَمْسِي: دیروز» بر گذشته دلالت دارد، پس فعل ماضی می‌آید.)
(ای دختران، دیروز درستان را خواندید.)

۶۶ خَرَجْتُمْ (با توجه به «أَمْسِي» فعل ماضی می‌آید.)
(ای دانش‌آموزان دیروز از کلاس خارج شدید؟)

۶۷ سَيَلْعَبَانِ («عَدَا: فردا» بر آینده دلالت دارد، پس فعل مستقبل (آینده) می‌آوریم.) (آن دو فردا فوتبال بازی خواهند کرد.)

۶۸ صَنَعْتُمْ («أَمْسِي: دیروز» بر گذشته دلالت دارد، پس فعل ماضی می‌آید.)
(آیا شما دیروز این میز را ساختید؟)

۶۹ سَمِعْنَا («البَنَاتُ» که جمع مؤنث است، فعل در وسط عبارت جمع مؤنث می‌آید.)
(دختران صداهایی را از دور شنیدند.)

۷۰ نَكْتُبُ (ضمیر «نَحْنُ» متکلم مع الغیر است، پس فعل نیز متکلم مع الغیر می‌آید.) (ما تکالیفمان را می‌نویسیم.)

۷۱ يَفْذَرُونَ («هُنَّ» ضمیر جمع مؤنث غایب است، پس فعل نیز جمع مؤنث غایب می‌آید.) (ایشان (آنها) می‌توانند.)

۷۲ وَجَدْنَا (با توجه به ضمیر «هُمَا» فعل به شکل مثنی می‌آید.)
(آن دو کلیدشان را پیدا کردند.)

۷۳ نَجَحْتُمْ («أَمْسِي: دیروز» بر گذشته دلالت دارد، پس فعل ماضی می‌آید.)
(ای عزیزانم، آیا شما دیروز در مسابقه پیروز شدید؟)

۷۴ كَتَبْتُ (ضمیر «أَنَا» بر متکلم وحده دلالت دارد، پس فعل نیز متکلم وحده می‌آید.) (چه چیزی نوشتی؟ من درس را نوشتم.)

۷۵ سَوْفَ نَذْهَبُ («نَحْنُ» متکلم مع الغیر است، بنابراین فعل نیز متکلم مع الغیر می‌آید.) (ما فردا به بازار خواهیم رفت.)

۷۶ نَجَحْتُ («هذه التلميذة» مفرد مؤنث است، پس فعل نیز مفرد مؤنث می‌آید.) (این دانش‌آموز در امتحانات موفق شد.)

۷۷ تَكْتُبُونَ (با توجه به پاسخ که اول شخص جمع آمده است، فعل در قسمت سؤال باید دوم شخص جمع باشد.)
(چه چیزی می‌نویسید؟ ما تکالیفمان را می‌نویسیم.)

۷۸ يَذْهَبْنَ («المُعَلِّمَاتُ» جمع مؤنث است، بنابراین فعل در وسط عبارت جمع مؤنث می‌آید.) (معلم‌ها به مدرسه می‌روند.)